

ویدئو آرت و خلاقیت نمایشی

سیلیویا مارتین، ترجمه فرشاد فخاریان

فروغ خبیری

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه تربیت مدرس

به زعم نویسنده، تحول مهم این دوره استفاده نام جون پایک^[۳] از تلویزیون است که به سرمشقی برای هنرمندان بعد خودش بدل شد. بدین ترتیب او نیمه دوم دهه شصت را دهه به کارگیری ابزار تلویزیون توسط هنرمندان می شناسد تا به وسیله آن هنر و زندگی را در سطح رسانه ای به یکدیگر مربوط کند.

در اینجا هنرمندانی که تلویزیون را در کار خود استفاده می کردند معرفی می شوند، هنرمندانی چون پپلوتی ریست^[۴]، نام جون پایک و ولف وستل^[۵]. در بخش دیگر این مقدمه با عنوان فناوری و تصویر، سیلیویا مارتین به توصیف وضعیت پیشرفت فناوری و ارتباط آن با ظهور ویدئو آرت می پردازد و نقطه آغاز آن را اختراع دستگاه ضبط ویدئویی سونی در سال ۱۹۶۷ قلمداد می کند. بعدها با پیشرفت ابزار و ادوات تکنولوژی در این زمینه امکان دستکاری فیلم به وجود آمد و در سال ۱۹۷۷ شرکت های بزرگ تولید دوربین، دوربین دیجیتال را وارد بازار کردند. مارتین تحول هنر ویدئو در دهه ۹۰ را به دلیل رواج نمایش تصویر به وسیله پروژکتور روی دیوار می داند. در قرن ۲۱ تصاویر دیجیتال تا حد بسیار زیادی جایگزین تصاویر آنالوگ شدند. به زعم نویسنده دهه ۷۰ ویدئو آرت ویژگی های اصلی خود را تثبیت می کند.

در بخشی دیگر با عنوان بدن و اجرا هنرمندانی که بدن را برای ادغام هنر و زندگی به کار گرفته اند مثال می زند و نمونه هایی از ویدئو آرت هایی که در آن ها تجربیات جسمانی بشر نمایش داده می شود مثال زده می شود، یکی از آن ها ویدئوی شلیک کریس بودن (۱۹۷۱) است به اعتقاد نویسنده در دهه ۹۰، استفاده از بدن با موضوعات انتقادی و اجتماعی به بینندگان منتقل می شود. در قسمت بعد، سیلیویا مارتین درصدد است با مصادیق متعدد نشان دهد که چگونه ویدئو به فضای بین رسانه ای بدل شده است یک مثال او ویدئوی بروس نومان^[۶] است که در آن هنرمند با صحنه آرایبی جدید اتاق ضبط خود، امنیت روانی بیننده خود را به چالش می کشد. در بحث مهم کدهای زمانی، سیلیویا مارتین به بررسی نقض زمان در ویدئو آرت می پردازد. اینکه بیننده مدت زمانی که می خواهد ببیند را مشخص می کند یا هنرمند؟ در دهه ۷۰ و ۸۰ هنرمندان از امکان همانندسازی زمان استفاده کردند از ما از حالت روایی آن جدا شدند.



عنوان اثر: ویدئو آرت و خلاقیت نمایشی^[۱]

نویسنده و مترجم: سیلیویا مارتین^[۲]، ترجمه فرشاد فخاریان

انتشارات: نشر پیشوتن

سال و نوبت چاپ: اول/۱۳۹۳

تعداد صفحه: ۹۲

سیلیویا مارتین (۱۹۶۴-) در این کتاب به معرفی جمعی از هنرمندان ویدئو و آثار مهم شان می پردازد. کتاب با یک مقدمه با عنوان تصاویر متحرک آغاز می گردد و سپس به معرفی سی و سه هنرمند ویدئو آرت به همراه آثار مشهورشان پرداخته است. چگونگی پیدایش ویدئو آرت و زمینه های شکل گیری آن را قسمتی دیگر از توضیحات مقدمه است. ویدئو آرت به عنوان یک جنبش در دوره های مختلف زمانی و در ارتباط با پیشرفت های فکری و اقتصادی دچار تحولات بسیار گردیده است.

1- Video Art

2- Sylvia Martin

3- Nam June Paik

4- Pipilotti Rist

5- Wolf Vostell

6- Bruce Nauman





Martyrs, installed-Bill Viola

تا ثبات را با بررسی زمینه‌های آن پیگیری کند. نویسنده در ابتدای کتاب فهرستی از هنرمندانی که در کتاب معرفی شده‌اند آورده و این فهرست به نسبت نسخه اصلی کتاب دو هنرمند را حذف کرده است. کتاب در پایان خود کتاب‌شناسی یا منابعی از سایت‌های اینترنتی برای علاقه‌مندان به مطالعات بیشتر و آشنایی با هنرمندان قرار نداده است. در بخش معرفی هنرمندان و آثارشان در مورد برخی از آن‌ها به چکیده‌ای از زندگی‌نامه هنرمند اشاره شده و در مورد برخی تنها آثار آن‌ها توضیح داده شده و اندکی تحلیل می‌شود. به لحاظ محتوایی، کتاب به عنوان یک کتاب تاریخی، کتابی جامع نیست و شاید تنها هدف کتاب گشودن راهی برای پژوهش درباره هنرمندان فعال در زمینه ویدئوآرت باشد از طرفی اجتناب نویسنده از مقدمه‌چینی‌های طویل و توقف در حواشی تاریخی را می‌توان نکته‌ای مثبت به حساب آورد که البته اگر در معرفی هنرمندان و آثار آن‌ها اشاره‌ای ژرف‌تر به رویکرد فلسفی و جامعه‌شناختی فعالان در دوره فعالیت هنری آن‌ها می‌گردید، با نمونه کامل‌تری مواجه می‌شدیم. به طور کلی حجم کم این کتاب به نسبت موضوعی که به آن پرداخته شده منطقی نیست، نویسنده می‌توانست در جهت انسجام ذهنی خواننده و انتقال آگاهی ژرف‌تر پیرامون ویدئوآرت، هنرمندان را بر حسب دسته‌بندی موضوعی یا منطقه‌ای به مخاطبان معرفی نماید.

کتاب حاضر ترجمه فرهاد فخاریان است. این کتاب نخستین کتابی است که در زمینه ویدئوآرت به فارسی ترجمه شده است. پیش از این ویدئوآرت در کنار سایر رسانه‌های هنر معاصر در کتاب‌های فارسی یافت می‌شد و این قدمی بسیار مثبت در جهت شناساندن هرچه بیشتر این رسانه به مخاطب فارسی زبان است. مترجم در جهت هرچه دقیق‌تر و روان‌تر بودن ترجمه تلاش کرده است. به نظر می‌رسد در بازگردانی اسامی، در قیاس با سایر ترجمه‌ها تفاوت وجود دارد که این ایراد قابل ملاحظه‌ای به شمار نمی‌آید. در نگاه کلی مترجم به خوبی مفهوم زبان اول را در قالب زبان دوم عرضه کرده است. ■

درواقع ساختارهای زمانی ویدئو را در نقطه مقابل عمق‌نمایی فیلم‌های متعارف قرار می‌دهد. نمونه دیگر ایجاد تغییر در ساختار زبان، آهسته کردن افراطی سرعت تصاویر است که بیل ویولا^[۷] از این تکنیک در ویدئوی معروف خود خوش و بش‌ها^[۸] (۱۹۹۵) استفاده کرده است.

نویسنده دهه ۹۰ را دهه تثبیت ویدئو به عنوان یک ابزار مستقل دانسته و بر این باور است در این دهه تجهیزات ویدئویی بیش از پیش در دسترس قرار گرفتند و استفاده از آن‌ها نیز راحت‌تر شد. او به ارتباط فیلم و ویدئو می‌پردازد، به‌زعم او ماهیت دموکراتیک ویدئو آن را به موضوعی جذاب برای صنعت فیلم تبدیل کرده است. حتی در اواسط دهه ۹۰ برخی از کارگردانان از جمله لارس فون تریر^[۹] بیانیه‌ای به نام «داگما» منتشر کردند که در آن از تولید فیلم‌های دست‌ساز و ویرایش نشده حمایت می‌کردند. او در جریان این ارتباط تأکید می‌کند که دهه ۹۰ ساختار مکانیکی و توزیعی فیلم نقش مهمی را برای هنر ویدئو فراهم کردند و هنرمندانی بسیاری از پارامترهای سینماتوگرافیک^[۱۰] بهره جستند. که منجر به ایجاد ساختارهای دوگانه در ویدئوآرت شد که تعاریف و ژانرها را با توجه به فیلم و ویدئو زیر سؤال برد. در آخر نویسنده به تأثیر هنرمندان متأثر در هنر ویدئو پرداخته و معتقد است ورود عناصر متأثر به ویدئو موجب راه یافتن مفاهیم عمق‌نمایی سینمایی و مفاهیم مستند به حوزه این هنر شده است.

نقد و بررسی کتاب

کتاب «ویدئوآرت و خلاقیت نمایشی» با تاریخچه کوتاهی از ویدئوآرت آغاز می‌شود و به معرفی هنرمندان و آثار برگزیده این رسانه از زمان شکل‌گیری آن می‌پردازد. مخاطب این کتاب نمی‌بایست در پی رسیدن به تعریف جامعی از ویدئوآرت یا تعیین حدود و ثغور این رسانه باشد؛ چرا که مقدمه کوتاه کتاب چنین خواننده‌ای را اقناع نمی‌کند. رویکرد کتاب در بازگویی وقایع و رویدادهای مقدمه تاریخی است، نویسنده سعی کرده در آن مقال کوتاه پیشرفت ویدئوآرت در طی سالیان کوتاه شکل‌گیری

7- Bill Viola

8- The Greeting (1995)

9- Lars von Trier

10- cinematographic



Harun farocki

Born Czechoslovakia, 1944

He Born in German-annexed Czechoslovakia in 1944 to an Indian father and German mother, Farocki was born as Harun El Usman Faroqi in Neutitschein, Sudetenland. His father, Abdul Qudus Faroqi, had immigrated to Germany from India in the ۱۹۲۰s, his German mother had been evacuated from Berlin due to the Allied bombing of Germany. He simplified the spelling of his surname as a young man. After World War II Farocki grew up in India and Indonesia before resettling in West Germany.

Farocki studied at the Academy of Film and Television in Berlin. He was kicked out of the school in 1968, along with filmmaker Hartmut Bitomsky and four others, due to a forced occupation in which the school was temporarily renamed the Dziga Vertov Academy. It was during this period that he produced his earliest politically driven films, inspired by the growing turmoil of May '68, including "Inextinguishable Fire" (1969), which dealt with the effects of napalm in Vietnam.

Farocki, who was deeply influenced by Bertolt Brecht and Jean-Luc Godard, studied at the German Film and Television Academy in West Berlin. He began making films-from the very beginning, they were non-narrative essays on the politics of imagery-in the mid-1960s.

From 1993 to 1999, Farocki taught at the University of California, Berkeley. He later was a professor at the Academy of Fine Arts Vienna.

Legendary experimental filmmaker Harun Farocki, whose films and installations critiqued institutions of power and explored complicated relationships with the image, passed away in 2014 at the age of 70. The German magazine Monopol confirmed the news.

ترجمه: علی محمد دوست حسینی

هارون فاروقی

متولد چکسلواکی ، ۱۹۴۴

در قسمت آلمانی نشین چکسلواکی در سال ۱۹۴۴ از یک پدر هندی و مادر آلمانی زاده شد و فاروقی به عنوان هارون ال عثمان فاروقی در زودتتلند متولد شد. پدر او ، عبدالقدوس فاروقی ، از هند در ۱۹۲۰ به آلمان مهاجرت کرده بودند ، مادر آلمانی او به دلیل بمباران متفقین از برلین خارج شده بود. پس از جنگ جهانی دوم فرخی در هند و اندونزی بزرگ شد و سپس باز به آلمان غربی بازگشت.

فاروقی در آکادمی فیلم و سریال برلین به تحصیل پرداخت. او به همراه هارموت بیتومسکی و چهار فیلمساز دیگر به دلیل اعتراض به تغییر ناگهانی نام مدرسه به آکادمی ژیگا ورتوو از آنجا اخراج شد. این دورانی بود که او اولین فیلم‌های با مایه سیاسی خود که ملهم از اغتشاشات ماه می ۱۹۶۸ بودند را ساخت. نظیر آتش خاموش نشدنی در سال ۱۹۶۹ که به تأثیرات استفاده از ناپالم در ویتنام می‌پرداخت.

فاروقی ، که عمیقاً تحت تأثیر برتولت برشت و ژان لوک گدار بود ، در فیلم در آکادمی فیلم و تلویزیون برلین تحصیل کرد. او در میانه‌های دهه ۱۹۶۰ شروع به ساخت فیلم کرد و از همان ابتدا به موضوعات سیاسی پرداخت.

از سال ۱۹۹۳ تا سال ۱۹۹۹ ، فاروقی در دانشگاه کالیفرنیا ، برکلی تدریس می‌کرد. او بعدها استاد در آکادمی هنرهای زیبا در وین بود.

طبق گزارش نشریه آلمانی مونوپول ، فیلمساز تجربی افسانه‌ای هارون فاروقی ، که فیلم‌هایش نهادهای قدرت را نقد می‌کرد و در روابط تصویری پیچیده کاوش می‌نمود در سال ۲۰۱۴ در سن ۷۰ سالگی درگذشت.





Nam June Paik

Born in Seoul, 1932

His father owned a major textile manufacturing firm. As he was growing up, he was trained as a classical pianist. In 1950, Paik and his family had to flee from their home in Korea, during the Korean War. His family first fled to Hong Kong, but later moved to Japan. Six years later he graduated from the University of Tokyo where he wrote a thesis on the composer Arnold Schoenberg. Paik then moved to Germany to study music history with composer Thrasybulos Georgiades at Munich University.

Nam June Paik was a Korean video artist who was considered the father of video art. His art focuses a lot on technology and that technology is the future. He died on January 29 2006.

ترجمه: محمد نصیر تیغ ساززاده

نام جون پایک

متولد سئول، ۱۹۳۲

پدرش صاحب شرکت تولید پارچه بود. در طول سنین جوانی به نقاشی کلاسیک پرداخت، در سال ۱۹۵۰ او همراه با خانواده اش به خاطر جنگ مجبور به ترک خانه خود در کره شدند. آن‌ها ابتدا به هنگ کنگ رفته و سپس به ژاپن مهاجرت کردند. شش سال بعد او از دانشگاه توکیو فارغ التحصیل شد، جایی که او یک تز بر اساس آرنولد شوئنبرگ (آهنگساز) نوشت. سپس پایک به آلمان مهاجرت کرده و در دانشگاه مونیخ به مطالعه تاریخ موسیقی پرداخت.

نام جون پایک به عنوان پدر ویدئوآرت شناخته می‌شود. هنر او بر روی تکنولوژی تمرکز زیادی دارد و تکنولوژی از ویژگی‌های هنر اوست.